



شهید محمود صارمی

ولادت: ۱۳۴۷/۳/۷، استان لرستان

دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته جغرافیای انسانی

شهادت: ۱۳۷۷/۵/۱۷، مزار شریف، توسط گروه تروریستی طالبان

آرامگاه: بروجرد، بهشت شهدا

زندگی نامه

شهید محمود صارمی در هفتم خرداد ۱۳۴۷ در روستای چهار بره شهرستان بروجرد متولد شد. به دلیل این که خانواده به کار کشاورزی مشغول بودند و پدر گاهی برای یافتن کار راهی کشور کویت می شد، ضرورت داشت کودکان از همان سال های نخستین زندگی مشغول به کار شوند. محمود دوره ابتدایی را در همان روستا به پایان رساند و برای ادامه تحصیل روانه شهر بروجرد شد و در منزل خواهرش سکونت نمود. پس از شرکت در کنکور سراسری و پذیرفته شدن در رشته جغرافیا همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد.

او بعد از گذراندن چند ترم تحصیلی از طریق بسیج دانشجویی دانشگاه تهران راهی جبهه های نبرد شد و مدت هفده ماه را در جبهه گذراند و دوباره به دانشگاه بازگشت و به تحصیل ادامه داد. در سال ۱۳۷۰ به همکاری با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران پرداخت. در سال ۱۳۷۱ تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی ارشد رشته جغرافیای انسانی در دانشگاه شهید بهشتی ادامه داد و در سال ۱۳۷۵ به عنوان مسئول دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی در مزار شریف افغانستان انتخاب شد. او دو سال بعد در هفدهم مرداد ۱۳۷۷ به همراه هشت نفر از کارکنان سرکنسولگری ایران در مزار شریف به دست عوامل گروه طالبان به شهادت رسید. تا یک ماه از سرنوشت این نه نفر گزارشی منتشر نشد، تا این که اجساد آنان در یک گور جمعی در خرابه های پشت کنسولگری به دست آمد و پیکر آنان بیست و دوم شهریور ۱۳۷۷ به تهران منتقل و به خاک سپرده شد.

شورای فرهنگ عمومی کشور در نخستین سالگرد این رخداد، روز هفدهم مرداد ماه را به پاس قدردانی از این مقام «روز خبرنگار» نامید.

آخرین پیام مخابره شده از شهید محمود صارمی:

«مزار شریف سقوط کرد. هفدهم مرداد ماه ۱۳۷۷، این جا محل کنسولگری ایران در مزار شریف است. من محمود صارمی خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران هستم. گروه طالبان چند ساعت پیش وارد مزار شریف شدند. خبر فوری: مزار شریف به دست طالبان سقوط کرد، عده‌ای از افراد طالبان در محوطه کنسولگری دیده می‌شوند. به من بگویید که چه وظیفه‌ای...».

فرازی از وصیت‌نامه

ای برادران و خواهران جهادگر! خطاهای من گنهکار رو سیاه را که باعث رنجش شما شده، ببخشید تا خدای بزرگ از من راضی شود. ای خدا! مرا که در اثر غرور و خودپرستی گناه می‌کنم، ببخش؛ زیرا این بدن ضعیف من توانایی تحمل آتش جهنم را ندارد. خدایا! مرا جزو توبه‌کاران واقعی قرار بده.^۱